



## شهروندان مؤنث، بی نصیب از امکانات شهری

گفت‌وگو با طیبه سیاوشی، رئیس کمیته ورزش کمیسیون فرهنگی مجلس دهم

تهیه و تنظیم: آمنه شیر افکن

گفت‌وگو با سیاوشی با محور بررسی عوامل کیفیت زندگی زنان و مردان و به‌ویژه زنان و نیز موضوع ورزش و توجه سیستماتیک به برنامه‌ریزی برای زنان در بودجه‌های کلان کشوری انجام شده است.

**خانم سیاوشی، به نظر شما چه عواملی کیفیت زندگی را می‌سازند؟**

سؤال شما کلی است. کیفیت زندگی یک ترم خیلی کلی است و می‌تواند فاکتورهای سازنده فراوانی داشته باشد. کیفیت زندگی از نگاه من با سطح رضایت افراد پیوند خورده است. برای تولید سطح استانداردی در کیفیت زندگی ساختارهای قدرت باید بتوانند پاسخگوی نیازهای نخستین شهروندان باشند. کیفیت زندگی برای زن و مرد، پیر و جوان، و کودک و بزرگسال متفاوت است. کیفیت زندگی زن میانسال با کیفیت زندگی یک دختر جوان، و کیفیت زندگی یک پیرمرد با کیفیت زندگی پسری نوجوان تفاوت دارد. اما آنچه ساختارهای قدرت و اقتصاد باید در مقوله کیفیت زندگی لحاظ کنند این است که میانگینی از امکانات به‌صورت برابر در اختیار شهروندان - فارغ از زن و مرد و طبقه اجتماعی و سن و سال و بسیاری فاکتورهای دیگر - قرار گیرد. اینجاست که اغلب جوامع به مشکل برمی‌خورند و در تقسیم سرانه بودجه و امکانات

طیبه سیاوشی تحصیلات کارشناسی ارشد دارد. روابط بین‌الملل را در دانشکده وزارت امور خارجه خوانده و با تجربه‌ای در حوزه مطبوعات، وزارت امور خارجه، امور مدنی و خیریه و ان‌جی‌او حالا در کمیسیون فرهنگی مجلس دهم مشغول به کار است. او علاوه بر عضویت در فراکسیون زنان مجلس، رئیس کمیته ورزش زنان است و در این زمینه فعالیت‌های گسترده‌ای داشته است. سیاوشی در نشست و برخاست و دیدار و تعامل با فدراسیون‌ها و مسئولان ورزشی به این نتیجه رسیده که در تمام سال‌های گذشته به حقوق شهروندی زنان از منظر ورزشی جفای بزرگی شده و حالا باید گروهی از زنان و مردان به دنبال آن باشند که بتوانند همه آن حقوق تزییع شده را به زنان بازگردانند. در این زمینه نگاه امیدوارانه‌ای دارد و معتقد است برای ترمیم وضعیت موجود هیچ‌وقت دیر نیست و باید بیان مسئله کرد و برای دسته‌بندی و اولویت‌بندی مسائل زنان اقدام کرد.



عکس: کاوه ذکریایی نژاد  
منبع: کتاب اولین دوره مسابقه عکاسی جستجوی کیفیت در شهر از دریچه تصویر (۱۳۹۵)

و خیلی مسائل دیگر بیش از شهروند مؤنث تدارک دیده شده است. بحث را مصداقی ادامه می‌دهم. نگاهی به متروها بیندازید، به معماری شهرها، به اتوبوس‌ها، به طراحی فضاهای ویژه برای زنان در شهرها. در همه اینها نادیده انگاشتن شهروند مؤنث دیده می‌شود. اما دلیل آن چیست؟ بسیاری مطالب تکراری و کلی که بارها گفته شده و طیفی از مدیریت مردانه و نگاه پدرسالارانه در مدیریت شهری را در بر می‌گیرد و تا اختصاص بودجه‌های غیرتوسعه‌ای و مردمحور پیش می‌رود. اما خروجی‌اش شهری است که مردان را بیش از زنان در مرکز توجه قرار داده است. در این زمینه شاید بهتر است متخصصان شهری نظر بدهند، اما اگر من بخواهم از نگاه یک شهروند و نه نماینده مجلس وضعیت واقعی جامعه را تحلیل کنم، نمره خوبی به تقسیم فرصت‌ها و بودجه‌ها میان زنان و مردان نمی‌دهم. این یعنی سطح کیفیت زندگی زنان با استانداردهای کمتری نسبت به مردان تعریف و تفسیر می‌شود. حالا شاید آن شهروند مؤنث از همان کودکی‌اش برای خود بسیاری کیفیات ویژه زندگی را تصور کند، اما سهم او از شهر یا حق او بر شهر را نه خودش، که سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران تعیین می‌کنند.

**شما رئیس کمیته ورزش کمیسیون فرهنگی مجلس هستید. از این منظر این سؤال را مطرح می‌کنم که آیا کیفیت زندگی و رضایت از زندگی زنان و مردان را متفاوت می‌بینید؟ چرا؟ لطفاً این مسئله را به‌ویژه از حوزه وظایف و مسئولیت‌ها و مشاهدات خودتان توضیح دهید.**

این سؤال هم پاسخ مفصلی می‌طلبد که ترجیح می‌دهم آن را با یک نمونه مصداقی توضیح دهم. کیفیت زندگی مردان و زنان نه

میان قشرهای مختلف جامعه تبعیض به وجود می‌آید. این تبعیض در ادامه به بسیاری دیگر از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و گاهی روحی و روانی منجر می‌شود.

**خُب به این ترتیب شما کیفیت زندگی را بیشتر تحت تأثیر ساختار و بستر اجتماعی معنا می‌کنید. اما در این صورت، تکلیف امر درونی و ذهنی شکل‌دهنده کیفیت زندگی چه می‌شود؟ مسائل ذهنی و درونی شهروندان چطور بر شکل‌گیری کیفیت زندگی‌شان تأثیر گذار است؟**

شهروندان همیشه کیفیت زندگی متنوعی را در ذهن خود تصور می‌کنند. اینجاست که دوباره باید به اهمیت ساختارها بپردازم. ساختار در اینکه آن تصورها و رؤیایها از کیفیت زندگی تا چه میزان محقق شوند بسیار تأثیر گذار است. فکر کنید فردی در یک روستای دورافتاده جازموریان به چه سطحی از کیفیت زندگی می‌اندیشد و یک شهروند شمالی شهرنشین به چه ابعاد و زوایایی. خُب سطح و میزان دسترسی افراد به برخی امکانات رفاهی رؤیاپردازی و سطح انتظارات آنها را شکل می‌دهد. از این منظر، به تعبیر من، شهروند دورافتاده و پیرامونی و شهروند مرکز نشین داریم. همین تقسیم‌بندی را می‌توان در حوزه جنسیت نیز وارد دانست؛ شهروندان مؤنث و شهروندان مذکر.

**اینجا کمی در موضوع شهروند مؤنث و مذکر مکث کنیم. در این باره بیشتر توضیح بدهید. یعنی برخورداری شهروندان مذکر و مؤنث در حوزه‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است؟ چرا؟**

قطعاً. برای شهروند مذکر از بودجه گرفته تا سرانه فضای شهری

در ایران بلکه در اغلب کشورها با یکدیگر متفاوت است، چون در اغلب کشورهای جهان هنوز بین تحقق شعارها و امر واقع تفاوت زیادی وجود دارد. به‌عنوان رئیس کمیته ورزش کمیسیون فرهنگی در موضوع‌های مرتبط با ورزش زنان پیگیر برخی مسائل بوده‌ام. نمونه‌اش موضوع ورود زنان به ورزشگاه است. برای نخستین بار در کمیسیون فرهنگی نشست‌هایی تخصصی با حضور نمایندگانی از دستگاه‌ها ترتیب داده‌ام. در این نشست‌ها از نماینده نیروی انتظامی گرفته تا حوزه علمی و فدراسیون و وزارت ورزش و دیگر نهادها شرکت می‌کنند. همه چاره‌ای ندارند جز اینکه در یک فضا ایده‌نهایی و اصلی‌شان را در این زمینه بگویند. راستش را بخواهید، بیان برخی دیدگاه‌ها و اینکه این همه با امر ایده‌ال فاصله داریم مرا متأثر می‌کند. بنابراین، وقتی شما از کیفیت زندگی می‌پرسید، از منظر من نماینده که با دختران زیادی حرف زده‌ام و تقاضای آنها را برای رفتن به ورزشگاه و تشویق تیم مورد علاقه‌شان شنیده‌ام، همین یکی از فاکتورهای کیفیت زندگی است. حالا در همین نشست‌ها بارها از ما سؤال می‌کنند که همه مسائل زنان حل شده و همین ورود به ورزشگاه مانده؟ من با این نگرش و نوع تحلیل مسئله مخالفم. حتی اگر پنج‌هزار زن ایرانی هم کیفیت زندگی‌شان را با ورود به ورزشگاه تعیین کنند، من نماینده موظف به پیگیری این خواسته هستم. اما اینکه چرا من و جمع دیگری از نمایندگان به دنبال جدی‌تر شدن طرح این مسئله هستیم هم از یک منظر با افزایش سطح کیفیت زندگی افراد در جامعه ارتباط دارد. ورود زنان به ورزشگاه‌ها شاید در میان خواسته‌های آنان در اولویت نباشد اما می‌توان این خواسته را در رسانه و دستگاه‌ها تقویت کرد و زنان را به ورزش و حتی تماشای ورزش فراخواند، زیرا می‌تواند زمینه‌ساز خیلی فرصت‌های برابر دیگر باشد. می‌تواند زمینه‌ساز علاقه‌مندی زنان به ورزش و پرداختن جدی آنها به برخی رشته‌های ورزشی باشد.

**یعنی همین رویکرد به موارد دیگر نیز تعمیم پیدا می‌کند؟**

بله، همین مثال ورود زنان به ورزشگاه و چالش‌ها و تناقض‌های آن را می‌توانید در ابعاد گسترده‌تر و موضوعات متنوع‌تر هم ببینید. ورزشگاه آزادی و شیرودی و هزاران ورزشگاه دیگر در گوشه و کنار این کشور با بودجه بیت‌المال و برای همه شهروندان ساخته شده‌اند. آن وقت ما با دست خودمان نگاه غیرتوسعه‌ای را در حوزه ورزش ترویج می‌کنیم و مانع بهره‌مندی برابر زنان و مردان از یک امکان عمومی می‌شویم. راستش را بخواهید، بیشتر از اینکه نگران این مسئله باشیم، نگران نگاهی هستیم که آن قدر این مسائل

برایش بدیهی شده که وقتی در جلسه بررسی ورود زنان به ورزشگاه می‌نشیند این مسئله را موضوعی فانتزی و لوکس قلمداد می‌کند. از همین نمونه به نمونه‌های بعدی بروید. زنان ما از بسیاری امکانات شهری و سیاسی و مدیریتی و اقتصادی دور نگه داشته شده‌اند. خوشبختانه قوانین ترمیمی و حمایتی در راه است، اما امیدوارم مدیران در نگاهشان باور به توسعه کیفیت زندگی برای احاد افراد جامعه را مد نظر قرار دهند. این کار سختی نیست و بیش از هر چیز تغییر رویه و نگاه و جهان‌بینی می‌خواهد.

